

آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان

عارفه حسینی^۱

عاطفه حسینی^۲

چکیده

با توجه به رابطه تنگاتنگ زبان و سنتهای فرهنگی، از قرن نوزدهم علاوه بر آموزش زبان بر آموزش فرهنگ نیز تأکید شد. با این حال، کمبود تحقیقات در خصوص تأثیرات فرهنگ ایرانی در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان کاملاً مشهود است. در این پژوهش سعی بر این شده است، تأثیر فرهنگ ایرانی و به طور کلی رابطه ی فرهنگ و زبان و پیشینه و تاریخچه ی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان پرداخته شود. همچنین رویکرد جدیدی در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان به نام آزوا معرفی شده است. به امید آن که مورد عنایت رهروان علم و ادب قرار بگیرد.

واژگان کلیدی: آموزش زبان فارسی، غیر فارسی زبانان، فرهنگ، رویکرد، آزوا

مقدمه

در دوران اسلامی، فرهنگ و ادب و هنر ایران رنگ و چهره تازهای به خود گرفت و پس از سه قرن توسعه و نفوذ زبان و فرهنگ عرب، زبانی که از زمان ورود آریاییها در هزاره سوم پیش از میلاد گسترش و توسعه ای شگرف داشت ارزش و اعتبار خود را بازیافت. در مدت سه قرن نفوذ اعراب نیز زبان فارسی اعتبار خود را به کلی از دست نداد. اعراب، برای گسترش قلمرو خود و همچنین ناتوانی در اداره امور خود، ایرانیان را در برخی مناصب ای دیوانی خود میگماردند؛ از این رو، مکاتبات و مناسبات دیوانی آنان به خط و زبان فارسی بود که خود سبب گسترش فرهنگ و هویت ملی ایرانیان شد. در نتیجه، در زمان نسبتاً اندکی فرهنگ و هنر ایرانی در سراسر قلمرو اسلام، از آسیای دور تا غرب آفریقا و حتی جنوب غربی اروپا، گسترش یافت به عبارت دیگر بعد از یک دوره افول، زبان فصیح فارسی و فرهنگ گرانقدر ایران سرافرازی و سروری یافت و از کرانه های اقیانوس اطلس تا اقیانوس هند، از دهلی تا روم، و از آسیای شرقی تا بغداد و بالاخره از سنگاپور تا اسپانیا زبان جویندگان دانش و ادب شد.

به دنبال ترویج و گستردگی زبان و فرهنگ ایرانی، حتی در برخی نقاط دورافتاده جهان، انجمن های خاورشناسی و انستیتوهای مطالعات شرقی تأسیس شد. همچنین، با توجه به فرهنگ غنی ایران زمین، انجمن هایی برای تحقیق و مطالعه فرهنگ ایرانی یکی پس از دیگری در کشورهای متمدن اروپا و آمریکا بنیان نهاده شد و اینگونه بود که تقریباً در همه مؤسسات خاورشناسی جهان رشته مطالعات زبان و ادب پارسی و تأثیر فرهنگ و زبان سرزمین ما و نفوذ آن در فرهنگ دیگر کشورها بنیانگذاری شد.

^۱ دانشجوی کارشناسی دبیری ادبیات دانشگاه فرهنگیان

^۲ دانشجوی کارشناسی روانشناسی دانشگاه بیرجند atefehhosseini74@gmail.com

پیدایش و روند تاریخی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبان ها

آموزش زبان فارسی به مثابه زبان دوم یا خارجی به غیر فارسی زبانها در دوره اخیر از همگرایی با جریان کلی آموزش زبان و تحولات و دستاوردهای آن بازمانده است. این عدم همگرایی که دارای ریشه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و زبانی (خصوصاً الفبایی) است، آموزش این زبان را از همگامی با روند پرشتاب و پیش رونده آموزش زبان و بهره مندی از دستاوردهای آن محروم کرده است، به گونه ای که حتی گذشت یک سده از تحولات نظری و عملی، آموزش زبان فارسی را به جایگاه مطلوب نزدیک نساخته است. این واپس ماندگی در ناهمراهی آموزش زبان فارسی با چهار دوره از تحولات دوران ساز در آموزش زبان- که شرح آن در ذیل می آید، مشهود است. سه دوره اول را می توان در چارچوب پارادایم روشگرا و دوره چهارم را در چارچوب پارادایم پساروشگرا (Postmethod) جای داد. سه دوره اول عبارت اند از: ۱- دوره - دستور ترجمه (Translation-Grammar) ، ۲- دوره - سمعی بصری (Lingual-Audio) و ۳- دوره ارتباطی (Comminictive) . ۴- دوره چهارم دوره پساروشگرا یا اصلمدار نام دارد

تعریف راهبردهای یادگیری زبان و طبقه بندی آن ها راهبردهای یادگیری، ابزاری هستند که زبان ها بهره آموز برای یادگیری زبان مقصد از آنها بهره می گیرند راهبردهای ارتباطی نیز یکی از انواع راهبردهای یادگیری زبان هستند معلمان برای اینکه بتوانند به توسعه توانش ارتباطی و یادگیری زبان آموزانشان کمک کنند، ضروری است که از راهبردهای یادگیری زبان آگاهی داشته باشند

کاسپر، راهبردهای یادگیری را برنامه «عنوان به ریزی بالقوه آگاهانه برای حل مشکلی که» یادگیرنده در دستیابی به اهداف ارتباطی و یادگیری با آن مواجه میشود» تعریف می کنند.

آزوفا: رویکردی جدید در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان

آموزش و پژوهش در حوزه فرهنگ و تمدن ایران، به ویژه در دوران اسلامی، عمدتاً از دوره صفویه، با برقراری روابط تجاری و سیاسی بین ایران و دولتهای اروپایی، در خارج از کشور و اغلب به صورت تلاش های فردی آغاز گردیده است. در این میان، بیش از همه، به آموزش زبان و ادبیات فارسی و پژوهش درباره آن پرداخته شده که در طول قرن بیستم، به دلیل ارتقای سطح روابط بین المللی و نزدیکی ملتها، رشد فزایندهای یافته است. آموزش زبان و ادب فارسی، مخصوصاً در نیم قرن گذشته، به دلیل کوشش نهادهای مسئول و متولی این حوزه جهش چشمگیری را نشان میدهد. بررسی وضعیت آموزش زبان فارسی و روابط فرهنگی در خارج از کشور حاکی از واقعیتهای زیر است:

- ۱- گستره کنونی آموزش زبان و ادب فارسی در جهان فراتر از حیطه نظارتی نهادهای متولی (به ویژه شورا و مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی) است و این امر امکان بسط فرهنگی و تمدنی ایران را تقویت می نماید.
- ۲- هم در بخش نظارتی نهادهای متولی و هم در بخش مستقل از این نهادها، امکانات بالقوه دیگر برای رشد آموزش زبان و ترویج جذابیتهای فرهنگی ایران مشهود است.
- ۳- واقعیتهای عصر حاضر درمورد جهانی شدن، رقابتهای بین المللی، روابط سیاسی و اقتصادی، رفتار خصمانه برخی قدرتهای مدعی، تبلیغات منفی و بدبین ساختن اذهان ملتها نسبت به جامعه ایرانی، بر ضرورت ترویج بیش از پیش ارزشهای تاریخی، فرهنگی و تمدنی ملت ایران در جهان دلالت دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، از اوایل تأسیس، تجاربی طولانی در اعزام استاد زبان و ادبیات فارسی به خارج از کشور و اجرای طرحهای پژوهشی در زمینه زبان، ادب و فرهنگ ایران داشته و از متعهدترین نهادهای فرهنگی ایران شمرده میشود. مقاله حاضر به شرح قسمتی از تلاشهای پژوهشگاه، که طی بیست سال گذشته برای رشد و ارتقای آموزش زبان فارسی در مراکز علمی و آموزشی خارج از کشور صورت گرفته، میپردازد و رویکرد متکی بر مبانی و جذابیتهای فرهنگی و تمدنی ایران به عنوان محتوای آموزش زبان فارسی را مطرح میسازد. همکاری و هماهنگی با «شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی»، «مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی» و دیگر مراکز مرتبط از محورهای پایه در برنامه ریزی پژوهشگاه شمرده میشود.

گروه پژوهشی «آموزش زبان و فرهنگ ایران به غیرفارسی زبانان» بر پایه تلاش بیست ساله بنیاد گرفته است. نام اختصاری این گروه «آزوا» پیشنهاد گردیده که، در مقایسه با «آزفا» یعنی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان، بر ضرورت حضور مبانی فرهنگی و تمدنی ایران در این رشته تأکید دارد دانشگاه مطالعات خارجی هنکوک مأموریت دو ساله بوسنی و هرزگوین با یافته های مورد اشاره به پایان رسید و آغاز مأموریت بعدی به کره جنوبی تعهدات پژوهشی را، که همانا شناخت مسائل و مشکلات موجود و تلاش برای حل آنها است، یادآور گردید. به این ترتیب، با پیشنهاد تألیف دو جلد «فارسی عمومی» به شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، که به تأیید رسید، مسیر آزوفا در پژوهشگاه هموار گردید.

کشور کره جنوبی، به خلاف بوسنی و هرزگوین، قرابت تاریخی و فرهنگی با ایران ندارد و نمونه بارزی از کشورهایی است که تدریس زبان فارسی در آنجا از مشترکات گذشته دو کشور نشئت نمیگیرد. طی سالهای ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵، تنها دانشگاه هنکوک دارای بخش فارسی بود. در این دانشگاه، بیست و پنج زبان خارجی تدریس می شد و هر زبان به تناسب اهمیت آن، به ویژه از نظر اقتصادی، جایگاه خاص خود را داشت. در دوره کارشناسی رشته زبان فارسی، هر سال سی نفر دانشجوی جدید پذیرفته می شدند و سالانه تعداد کمتری این دوره را به پایان میرساندند. در آن ایام، کمتر دانش آموختهای میتوانست به اعتبار یادگیری و دانش زبان فارسی وارد بازار کار شود ترکیب استادان بخش فارسی دانشگاه هنکوک تا حدودی به وضعیت دانشگاه ساریوو شباهت داشت. به طور کلی، همکاران آن بخش که در ایران تحصیل نکرده بودند مشکل تسلط زبانی داشتند؛ مثلاً ادبیات فارسی به زبان کره ای تدریس می شد. در کتابهای زبان فارسی که در دانشگاه هنکوک تدریس میشد نیز مزیت خاصی به چشم نمیخورد و جذابیت فرهنگی در آنها دیده نمیشد. محتوای کتابها منحصر به مقداری اطلاعات متنی، واژگانی و دستوری بود. استادی که متون فارسی را تدریس میکرد از اخبار و مباحثات مجلس شورای ملی قبل از انقلاب اسلامی بهره میبرد. به این ترتیب، دوره آموزش زبان فارسی در دانشگاه هنکوک آگاهی چندانی در زمینه شناخت فرهنگ ایرانی به زبان آموزان نمیداد؛ به ویژه اینکه ایرانیان ساکن در کره بسیار محدود بودند و جمع خانوادهای ایرانی در آن کشور، که به سفارت جمهوری اسلامی ایران تعلق داشتند، به ده نفر میرسید.

نکته های تازه ای که از تفاوت های موجود دو کشور بوسنی و هرزگوین نشئت میگرفت:

۱- عصر حاضر، به ویژه در طی یک قرن اخیر، به برکت اختراعات و اکتشافات جدید، به عصر ارتباطات تبدیل گردیده و حوزه ارتباطات زبانی به شدت توسعه یافته است. آموزش زبان ها و آشنایی با فرهنگ ملتها در برنامه ریزی های دانشگاهی از جایگاهی ویژه برخوردار است و این واقعیت به هر جامعه ای امکان میدهد که از طریق آموزشهای زبانی و فرهنگی مؤثر امکانات ارتباطی با جوامع دیگر را تقویت نمایند.

۲- گرچه کره به لحاظ اقتصادی کشوری بسیار فعال و حساس است، دانشجویان زبان فارسی در آن کشور فاقد امکان بهره گیری اقتصادی از این رشته اند. از سوی دیگر، بین دوکشور ایران و کره، چنانکه اشاره شد، پیوند تاریخی دیرینه ای وجود ندارد. این امر نشان میدهد که مزیت اقتصادی یا مشترکات تاریخی را نباید شرط اصلی آموزش زبان فارسی و رواج فرهنگ ایرانی در خارج از کشور دانست. بنابراین، توجه به آموزش دلپذیر زبان و شیوه های مؤثر ترویج فرهنگی در اولویت قرار میگیرد.

دانشگاه های امریکا حوزه شناختی دیگر در آموزش زبان فارسی که بسیار قابل تأمل به نظر میرسد کشور امریکاست. جامعه آمریکا طی سه دهه اخیر در اثر تحولات انقلاب اسلامی ایران طیف وسیعی از ایرانیان را به خود جذب کرده و آموزش زبان فارسی را، هم به دلیل مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از انقلاب اسلامی و هم حضور چشمگیر ایرانیان، درکانون توجه مراکز فرهنگی و آموزشی خود قرار داده است. اطلاعات به دست آمده و تماس های حضوری نگارنده با برخی استادان زبان فارسی در دانشگاههای تکراس، پرینستن و پنسیلوانیا دلالت بر آن دارد که حدود یکصد دانشگاه و مرکز فرهنگی در این کشور به تأسیس بخش فارسی یا تشکیل کلاسهای زبان فارسی پرداخته اند. تحقیقات و تألیفات بسیاری در زمینه زبان و ادبیات فارسی در آن کشور به انجام رسیده و تدریس زبان اغلب در سطحی پیشرفته صورت میگیرد. انجمن استادان زبان فارسی آمریکا، در طی سالهای اخیر، به توفیقات چشمگیری در ایجاد ارتباط و ارتقای سطح همکاری میان علاقه مندان و رشد زبان و ادب و فرهنگ ایران دست یافته است

تأسیس آزوفا و رویکرد آن

در طی سالهای اخیر، همکاری تنگاتنگی میان پژوهشگاه و نهادهای متولی، به ویژه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، آغاز گردیده و اجرای طرحهای پژوهشی مشترک با شورتجارب ارزشمندی دربرداشته است. این تجارب به شکل گیری و تأسیس بخش آزوفا انجامیده و امید می رود که پژوهشگاه علوم انسانی با تداوم اجرای طرحهای ویژه آموزشی و فرهنگی نقش یاورانه خود را در عالیترین سطح ممکن ایفا نماید.

رویکرد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به آموزش زبان فارسی در خارج از کشور بر بهره گیری از مجموعه جذابیت های فرهنگی و تمدنی ایران توأم با ارتقای کیفی آموزش تکیه دارد. در این رویکرد، فرهنگ و تمدن ایران به مجموعه عناصری اطلاق میشود که عمده ترین آنها را حیات تاریخی، کشورداری، دین، علم، زبان، ادبیات، معماری، هنر، میهن دوستی، هوشمندی و استعداد ایرانیان تشکیل میدهد. هر یک از این عناصر درحیات گذشته ملت ایران جایگاهی رفیع داشته و حاصل مجموعه میراث گرانبهای نیاکان ما شمرده میشود که با دشواری بسیار فراهم گردیده و به سهولت در اختیار نسل کنونی قرار گرفته است. ارزش های فرهنگی و تمدنی ملت ایران به گونه ای است که نه تنها ایرانیان خود به آن دل بستگی و پابندی نشان میدهند بلکه محققان و خاورشناسان بر نقش ارزنده آن تأکید می نهند و از اینکه ایرانیان توانسته اند در برابر طوفانهای مهیب حوادث و در پی قرنهای هزاره ها پایدار بمانند و حتی مهاجمان و دشمنان را مجذوب سازند ابراز شگفتی مینمایند.

میراث فرهنگی ایران پدیده ویژه ای است که تمامی مسئولان و اهل زبان و ادب در جایگاه جهانی آن و نقش بازدارنده های که در برابر توطئه ها و بداندیشی های بیگانه ایفا میکند اتفاق نظر داشته و برای رشد و رواج آن علاقه و اشتیاق نشان میدهند. این عرصه با وسعت چشمگیر خود میتواند به زمینهای بسیار تأثیرگذار برای برنامه ریزی و بهره گیری فرهنگی کشور در سطح جهان تبدیل گردد. با این همه، تا ارتقای آن به جایگاه جهانی موردنظر فاصله زیادی به چشم میخورد.

در گروه پژوهشی «آموزش زبان و فرهنگ ایران به غیرفارسی‌زبانان» سه هدف و نقش اصلی زیر برای آموزش زبان فارسی تعریف گردیده است:

- ۱- ایجاد ارتباط و تعامل زبانی بین ایرانیان و ملت‌های دیگر به عنوان هدف پایه
- ۲- ترویج جذابیت‌های تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران به عنوان بخشی از میراث فرهنگی جهان
- ۳- ترویج جذابیت‌های یادشده برای روشن ساختن اذهان جهانیان و رفع آثار سوءتبلیغات و تهاجمات فرهنگی

اهداف یادشده با اجرای برنامه‌های زیر تحقق خواهد یافت:

- ۱- تألیف کتاب‌های درسی ضمن ارتقای سطح و کیفیت آموزش با بهره‌گیری از پیشرفتهای جهانی؛
- ۲- تولید نرم افزارهای لازم برای ارتقای آموزش و ارائه جذابیت‌های تاریخی، فرهنگی و تمدنی کشور و ملت ایران؛

تأثیر فرهنگ ایرانی در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان

در دوران اسلامی، فرهنگ و ادب و هنر ایران رنگ و چهره تازه‌ای به خود گرفت و پس از سه قرن توسعه و نفوذ زبان و فرهنگ عرب، زبانی که از زمان ورود آریاییها در هزاره سوم پیش از میلاد گسترش و توسعه ای شگرف داشت ارزش و اعتبار خود را بازیافت. در مدت سه قرن نفوذ اعراب نیز زبان فارسی اعتبار خود را به کلی از دست نداد. اعراب، برای گسترش قلمرو خود و همچنین ناتوانی در اداره امور خود، ایرانیان را در برخی منصبه‌های دیوانی خود می‌گماردند؛ از این رو، مکاتبات و مناسبات دیوانی آنان به خط و زبان فارسی بود که خود سبب گسترش فرهنگ و هویت ملی ایرانیان شد. در نتیجه، در زمان نسبتاً اندکی فرهنگ و هنر ایرانی در سراسر قلمرو اسلام، از آسیای دور تا غرب افریقا و حتی جنوب غربی اروپا، گسترش یافت به عبارت دیگر بعد از یک دوره اقبول، زبان فصیح فارسی و فرهنگ گرانقدر ایران سرافرازی و سروری یافت و از کرانه‌های اقیانوس اطلس تا دانشگاه تربیت مدرس و از آسیای شرقی تا بغداد و بالاخره از سنگاپور تا اسپانیا زبان جویندگان دانش و ادب شد.

به دنبال ترویج و گستردگی زبان و فرهنگ ایرانی، حتی در برخی نقاط دورافتاده جهان، انجمن‌های خاورشناسی و انستیتوهای مطالعات شرقی تأسیس شد. همچنین، با توجه به فرهنگ غنی ایران زمین، انجمن‌هایی برای تحقیق و مطالعه فرهنگ ایرانی یکی پس از دیگری در کشورهای مترقی اروپا و امریکا بنیان نهاده شد و اینگونه بود که تقریباً در همه مؤسسات خاورشناسی جهان رشته مطالعات زبان و ادب پارسی و تأثیر فرهنگ و زبان سرزمین ما و نفوذ آن در فرهنگ دیگر کشورها بنیانگذاری شد.

در پی عوامل یادشده، بسیاری از افراد در سراسر جهان به زبان فارسی گرایش یافتند. براین اساس، با توجه به رابطه متقابل زبان و فرهنگ و مشتمل بودن یکی در یادگیری دیگری، شناخت عوامل فرهنگی در آموزش زبان در کانون توجه قرار گرفت. با وجود این، تحقیقات فرهنگی در ایران هنوز رنگ و بوی مطالعات مشابه در سراسر دنیا را ندارد.

در این باره، توجه به شاخص‌های فرهنگ نیز اهمیت بسیاری دارد. شاخص فرهنگی را میتوان مشخصه‌ای دانست که تعریف فرهنگ بر آن مبنا میسر میشود. اگر بخواهیم ملاک‌هایی را در آموزش فرهنگ در نظر بگیریم، باید مشخصه‌های آن را تعریف کنیم.

شاخصهای فرهنگ در حوزه آموزش نیز باید از مسائل و مشکلات و نیازهای اساسی مردم استخراج و سپس به عنوان شاخصهای فرهنگی برای آموزش در نظر گرفته شوند بر این اساس، در هر گونه آموزش فرهنگی تعیین اولویتهای آنها از نکات مهم است

آموزش فرهنگ

به رغم طرح ریشه های آموزش فرهنگی از ۵۰۰ پم، استقلال آموزش فرهنگ، در جایگاه گرایش مجزا، به دهه ۱۹۶۰ باز میگردد. اما آموزش زبان و فرهنگ تا دهه ۱۹۹۰، ارتباطی با یکدیگر نداشتند و به عملکرد مشترک آنها و کاربردی به کار بسته و در زیر به اختصار توضیح داده میشود.

آموزش فرهنگ موضوع بحث برانگیز دهه های پایانی قرن نوزدهم بوده است اصطلاح یادگیری بین فرهنگی در این دهه توجه شد.

آموزش فرهنگ در واقع به آموزش زبان با هدفی خاص و موضوعی مرکب برای تدریس اشاره دارد. فرهنگ و زبان در جایگاه اهداف آموزشی به تدریج به پذیرش جهانی رسیده و به جنبه نظری آن بیشتر از کاربردی بودن آن توجه شده است. (ibid) در این دیدگاه، آموزش زبان باید آموزش در روابط فرهنگی و اجتماعی در کشورهای زبان مقصد را شامل شود. بر این اساس، آموزش زبان باید در کل برنامه درسی دوگانه های داشته باشد

تأثیر فرهنگ ایرانی در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان

اصطلاح یادگیری بین فرهنگی (ibid: 5) (intercultural learning) در این دهه توجه شد.

اصطلاح آموزش فرهنگ و زبان در بخش نظری، همزمان مفاهیم وحدت (unity) و

دوگانگی (duality) را به ذهن متبادر میسازد.

این همان حوزه ای است که، با توجه به نیاز به یکپارچگی ابعاد زبانی و فرهنگی، چالش های اساسی را در آموزش پدید آورد. علاوه بر تأکید روی آموزش فرهنگ، آموزش زبان خارجی (زبان دوم)، یعنی زبانهای کاربردی در کشورهای غیر از کشور مورد آموزش، مستلزم کلینگری (generalist) معلم و تسلط او بر حوزه ای وسیع مشتمل بر زبان و ادبیات و فرهنگ و اجتماع است. (ibid) باید توجه داشت تأثیرات فرهنگی بر یادگیرنده و تفاوت های فرهنگی که در یک بافت پدید می آید، از تفاوت های گروهی ناشی میشود و نه تفاوت های فردی. این تأثیرات ممکن است به شکل های گرایش به فعالیت، انتخاب سبک های خاص، انتخاب فعالیت های خاص، مشکلات درک و حتی مجموعه ای از مشکلات و کمبودهای تشخیص ناپذیر تجلی یابند.

هر فرهنگ برای داشتن سهمی در تحولات جهان، نیازمند عرضه و ارائه خود با یکی از ابزارهای ارتباطی موجود است که بیگمان زبان از مهمترین این ابزارها دانسته میشود. دریافت آموزش فرهنگ و زبان، کار با صورت های گفتاری و نوشتاری ادبیات در وارد شدن به آنچه برخی افراد آن را تجارب خارجی (experiences foreign) میدانند، نقشی مؤثر داشته است که خود، این موارد را دربرمیگیرد: شیوه های دیگر زندگی، شیوه های دیگر نگرش به دنیا، شیوه های دیگر تجسم، و حالات تفکر. از سوی دیگر، این امر، ابزاری کارآمد برای آگاهی از دیدگاه های دیگران در بافتهای فرهنگی، تاریخی و اجتماعی به شمار می آید.

رابطه زبان و فرهنگ

تعیین ارتباط میان زبان و فرهنگ، ارائه تعریفی از فرهنگ ضروری مینماید. یوهانسون رسون فرهنگ را چنین تعریف میکنند:

از طریق یک فرایند مستمر دگرگونی، محیط پیرامون ما تغییر میکند و به اصطلاح «تاریخی» میشود. این جهان تاریخی شده پویاست که فرهنگ نامیده میشود (یوهانسون و لارسون،

بیلی و پیلسسه طرح برای رابطه دوسویه زبان و فرهنگ در نظر گرفته اند :

۱- در طرح اول، زبان بخشی از فرهنگ است که ارتباط صریح بین افراد با فرهنگ مشترک را نشان میدهد. در این دیدگاه، اجزای فرهنگ (جهانبینی، خانواده، اقتصاد، و غیره) بخشهای اصلی این ارتباط اند و وجود فرهنگ بدون آنها غیرممکن است. در این طرح، زبان فراتر از بخشی از یک فرهنگ است .

۲- در طرح دوم، زبان و فرهنگ تقریباً مستقل از یکدیگرند؛ ولی شایان توجه است که زبان در این دیدگاه با عناصر ناب فرهنگ و حتی عناصر متغیر فرهنگی مرتبط باقی میماند .

بخشهایی از فرهنگ، مانند مذهب و زندگی خانوادگی و اقتصاد سنتی یک اجتماع، ممکن است کاملاً از بین بروند درحالیکه تکلم به زبان سنتی خود با کاربردی مناسب از واژگان همچنان ادامه می یابد. این امر نشان میدهد که تغییر یا جابه جایی زبانشناختی اغلب بسیارکنندتر از تغییرات فرهنگی نمایان میگردند و در نتیجه زبان و فرهنگ دو پدیده کاملاً وابسته نیستند. با این حال

باید به وابستگی بسیار زبان به برخی عناصر فرهنگی مانند مذهب و تکنولوژی و ... توجه کرد.

۳- طرح سوم، بر همبستگی نسبی زبان و بخش هایی از فرهنگ تأکید می کند. ذکر سه نکته در این دیدگاه ضروری است؛ نخست آنکه طبقه بندی فرهنگی واقعیات از طریق زبان حاصل میشود. دوم آنکه بسیاری از بخشهای زبان منعکس کننده روابط اجتماعی میان مردم و ارزشهای آنان است و سرانجام اینکه زبان به چگونگی شکل گیری جهانبینی افراد کمک میکند. این نکات نمایانگر همبستگی زبان و فرهنگ در حوزه های گوناگون با شدت و ضعفهایی متفاوت است .

شایان ذکر است که آموزش زبان در حوزه جامعه شناسی، شامل چهارچوب هایی مبتنی

بر مفاهیم کلیدی زیر است :

۱- همه رخدادهای زبانی نیازمند کاربرد زبانی خاص در بافتهای اجتماعی خاص است .

۲- زبان به کار برده شده در شرایط خاص اهمیتی فراوان در تعیین ماهیت رخداد اجتماعی دارد .

بر این مبنا، آنچه در بافت جامعه شناختی مؤثرتر واقع است آن است که ساخت های زبانی چگونه با یکدیگر تعامل می یابند تا گفتمانی کامل را تشکیل دهند. نکته شایان ذکر دیگر اینکه طبقه اجتماعی، قومیت، سن، جنسیت، و محیط جغرافیایی از موارد تأثیرگذار در تغییرات واقعیتهای زبانی اند که باید در برنامه های درسی لحاظ شوند .

کسب مهارت در سنتهای جامعه شناختی اهمیت شایانی برای مدرس زبان فارسی دارد. از اهمیت تدوین برنامه های درسی در بافتهای اجتماعی نیز نباید غافل شد؛ لذا فرهنگ، که بخشی عظیم از جامعه و افراد آن را تشکیل میدهد، متمرکز و هدفمند در کتاب های درسی به کار رود و به آن توجه شود .

در پایان این مبحث میتوان گفت برای پدیدآوردن درک فرهنگی در زبان آموز ضروری است حساسیت به سایر فرهنگ ها و زندگی همگن در جامعه زبانی مقصد میسر شود. به عبارت دیگر، زبان آموز باید به توانش بین فرهنگی

دست یابد تا توانایی برقراری ارتباط در بافتهای بین فرهنگی را بیابد .

نتیجه گیری

براساس تحلیلی که از مجموع فعالیتهای مربوط به آموزش زبان فارسی به غیرفارسیزبانان صورت گرفت پاره ای عوامل به شرح زیر بازدارنده گسترش زبان فارسی در خارج از کشورشمرده میشوند اما نباید آنها را تهدید جدی در این عرصه به حساب آورد:

۱- عدم امکان اشتغال زبان آموزان از طریق آموزش زبان فارسی از موانع توسعه این زبان به شمار می آید. با این همه، بسیاری از فارسی آموزان به امید کاریابی و اشتغال به آموختن فارسی روی نمی آورند بلکه آشنایی با این زبان و فرهنگ جدید را دریچه ای به دنیایی نو می شمارند.

۲- در اکثر مراکز آموزشی، استاد ایرانی اعزامی حضور ندارد و مراکز آموزشی از استادان ایرانی و غیرایرانی خود بهره مند میشوند. بنابراین، محدودیت اعزام استاد از موانع اصلی رشد زبان فارسی نخواهد بود.

۳- حمایت مالی از مراکز آموزشی زبان و ادبیات فارسی عاملی مثبت و تأثیرگذار است اما ملاحظه میشود که بسیاری از مراکز زبانی از کمکهای ایران برخوردار نیستند.

۴- از میان مدرسان زبان فارسی، تعداد محدودی فرصت شرکت در دوره های دانش افزایی را به دست می آورند.

۵- با عنایت به چهار عامل بالا و موارد مشابه، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ضمن تقدیر تلاش های نهادهای متولی و تأکید بر ضرورت استمرار این تلاشها، در مقطع کنونی، مهمترین نیاز آموزشی زبان فارسی در خارج از کشور را تألیف، تولید و

توزیع کتابهای مطلوب آموزشی و نرم افزارهای جذاب زبان و فرهنگ ایران میدانند و اعتقاد دارد که این رویکرد کمبودهای موجود را جبران خواهد نمود و در همه جا اثرگذاری بیشتری بر روند آموزش و ارتقای جایگاه فرهنگی و تمدنی ایران خواهد داشت. بخش آذوقه در همین راستا در پژوهشگاه تأسیس گردیده و همسو با نهادهای متولی به ایفای رسالت فرهنگی خود خواهد پرداخت.

منابع

- ۱- امیری، کیومرث (۱۳۷۵). زبان فارسی در جهان لانگستان، تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- ۲- تاج الدین، ضیاء (۱۳۸۳). آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانها (دو جلد)، تهران: کانون زبان ایران.
- ۳- ثمره، یدالله (۱۳۶۷). آموزش زبان فارسی (مجموعه آموزشی آذوقه)، تهران: اداره کل روابط و همکاریهای بین الملل، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۴- ذوالفقاری، حسن و همکاران (۱۳۸۳). فارسی بیاموزیم (مجموعه آموزشی)، تهران: مدرسه، وزارت آموزش و پرورش.
- ۵- صادقیان، جلیل بانان (۱۳۷۷). آموزش زبان فارسی برای غیرفارسیزبانان (دو جلدی)، تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- ۶- صفارمقدم، احمد (۱۳۷۲). زبان و ادبیات فارسی در بوسنی و هرزگوین، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
- ۷- صفارمقدم، احمد (۱۳۷۶). «دانشگاه هنکوک: پایگاه زبان فارسی در کره جنوبی»، نامه پارسی، تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، س دوم، ش دوم.